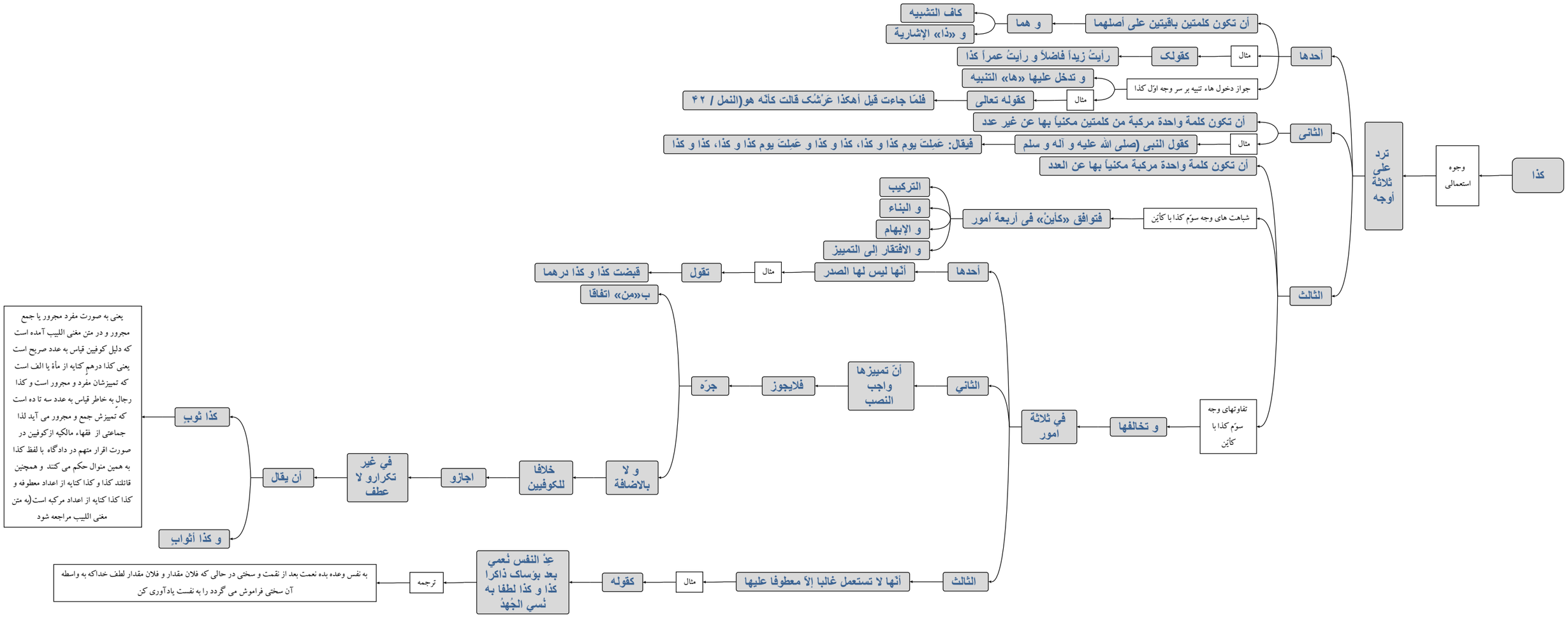
کذا
وجوه استعمالی
ترد علی ثلاثة أوجه
أحدها
أن تکون کلمتین باقیتین علی أصلهما
و هما
کاف التشبیه
و «ذا» الإشاریة
مثال
کقولک
رأیتُ زیداً فاضلاً و رأیتُ عمراً کذا
جواز دخول هاء تنبیه بر سر وجه اوّل کذا
و تدخل علیها «ها» التنبیه
مثال
کقوله تعالی
فلمّا جاءت قیل أهکذا عَرْشُک قالت کأنّه هو(النمل / ۴۲
الثانی
أن تکون کلمة واحدة مرکبة من کلمتین مکنیاً بها عن غیر عدد
مثال
کقول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم
فیقال: عَمِلتَ یوم کذا و کذا، کذا و کذا و عَمِلتَ یوم کذا و کذا، کذا و کذا
الثالث
أن تکون کلمة واحدة مرکبة مکنیاً بها عن العدد
شباهت های وجه سوّم کذا با کأیّن
فتوافق «کأینْ» فی أربعة أمور
التراکیب
و البناء
و الإبهام
و الافتقار إلی التمییز
تفاوتهای وجه سوّم کذا با کأیّن
و تخالفها
في ثلاثة امور
أحدها
أنّها لیس لها الصدر
مثال
تقول
قبضت کذا و کذا درهما
ب«مِن» اتفاقا
الثاني
أنّ تمییزها واجب النصب
فلایجوز
جرّه
و لا بالاضافة
خلافا للکوفیین
اجازو
في غیر تکرارو لا عطف
أن یقال
کذا ثوبٍ
یعنی به صورت مفرد مجرور یا جمع مجرور و در متن مغنی اللبیب آمده است که دلیل کوفیین قیاس به عدد صریح است یعنی کذا درهمٍ کنایه از مأة یا الف است که تمییزشان مفرد و مجرور است و کذا رجالٍ به خاطر قیاس به عدد سه تا ده است که تمییزش جمع و مجرور می آید لذا جماعتی از فقهاء مالکیه ازکوفیین در صورت اقرار متهم در دادگاه با لفظ کذا به همین منوال حکم می کنند و همچنین قائلند کذا و کذا کنایه از اعداد معطوفه و کذا کذا کنایه از اعداد مرکبه است(به متن مغنی اللبیب مراجعه شود
و کذا أثوابٍ
الثالث
أنّها لا تستعمل غالبا إلاّ معطوفا علیها
مثال
کقوله
عِدِّ النفس نُعمي بعد بؤساک ذاکرا کذا و کذا لطفا به نُسي الجُهدُ
ترجمه
به نفس وعده بده نعمت بعد از نقمت و سختی در حالی که فلان مقدار و فلان مقدار لطف خداکه به واسطه آن سختی فراموش می گردد را به نفست یادآوری کن